

Exploring the Conceptual Framework of Social Principles and Human Interactions in a Behavioral System Based on the Noble Quran*

Jafar Torkzadeh¹ Zahra Najafi² Rahmatollah Marzooghi³
Jafar Jahani⁴ Masoumeh Mohtaram⁵

1. Professor, Department of Educational Management and Planning, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (**Corresponding Author**).
torkzadeh@shirazu.ac.ir

2. Ph.D. Candidate in Educational Management, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. z.najafi@hafez.shirazu.ac.ir

3. Professor, Department of Educational Management and Planning, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. marzooghi@shirazu.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Educational Management and Planning, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. jahani@shirazu.ac.ir

5. Assistant Professor, Department of Educational Management and Planning, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. mmohhtaram@shirazu.ac.ir

Abstract

This applied research was conducted with the aim of exploring the conceptual framework of social principles and humaohhtaramn interactions within a behavioral system based on the Noble Quran, utilizing a

* This article is derived from a Ph.D. dissertation titled "Exploring the Conceptual Framework of Behavioral Rules in Social Systems Based on the Noble Quran and its Validation in Certain Educational Institutions" (Supervisor: Jafar Torkzadeh, Advisors: Rahmatollah Marzooghi, Jafar Jahani and Masoumeh Mohtaram). Department of Educational Management and Planning, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

* Torkzadeh, J., Najafi, Z., Marzooghi, R., Jahani, J., & Mohtaram, M. (2026). Exploring the Conceptual Framework of Social Principles and Human Interactions in a Behavioral System Based on the Noble Quran. *Islam and Social Studies*, 14(1), pp. 33-68. <https://doi.org/10.22081/jiss.2026.75141.22422>

■ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

■ **Received:** 2025/09/23 • **Revised:** 2025/12/01 • **Accepted:** 2026/02/24 • **Online Publication:** 2026/03/30

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



qualitative approach and content analysis method. Data collection and analysis were performed using the cyclic qualitative analysis process. The scope of the research included all verses of the Quran, from which behavioral implications related to social principles and human interactions were extracted, conceptualized, and organized through analysis cycles, utilizing the *Tafsir-e Noor* and *Tafsir-e Nemouneh* commentaries. Consequently, a total of 112 core concepts were extracted, which were organized into 28 first-level comprehensive concepts and subsequently 7 second-level comprehensive concepts based on thematic proximity. In the final stage, by aggregating the concepts, they were categorized under three fundamental rules: "Justice and Benevolence," "Etiquette and Loyalty ," and "Social Competence." These three rules form the overarching conceptual construct of social principles and human interactions within a behavioral system. As the primary pillars of a Quranic behavioral system, they can play a decisive role in guiding social relationships, regulating human interaction patterns, promoting justice and benevolence in social relations, and organizing individual and collective actions at various levels of social systems.

Keywords

Noble Quran, Social principles, Human interactions, Behavioral system, Social system.



کاوش چهارچوب مفهومی اصول اجتماعی و تعاملات انسانی

در نظام رفتاری بر مبنای قرآن کریم*

جعفر ترکزاده^۱ زهرا نجفی^۲ رحمت‌اله مرزوقی^۳

جعفر جهانی^۴ معصومه محترم^۵

۱. استاد، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

torkzadeh@shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

z.najafi@hafez.shirazu.ac.ir

۳. استاد، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

marzooghi@shirazu.ac.ir

۴. دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

jahani@shirazu.ac.ir

۵. استادیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

mmohetaram@shirazu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف کاوش چهارچوب مفهومی اصول اجتماعی و تعاملات انسانی در نظام رفتاری مبتنی

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «کاوش چهارچوب مفهومی قواعد رفتاری در سیستم‌های اجتماعی مبتنی بر قرآن کریم و اعتباریابی آن در برخی مؤسسات آموزشی» (استاد راهنما: جعفر ترکزاده و اساتید مشاور: رحمت‌اله مرزوقی، جعفر جهانی و معصومه محترم). گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران می‌باشد.

* ترکزاده، جعفر؛ نجفی، زهرا؛ مرزوقی، رحمت‌اله؛ جهانی، جعفر و محترم، معصومه. (۱۴۰۵). کاوش چهارچوب مفهومی اصول اجتماعی و تعاملات انسانی در نظام رفتاری بر مبنای قرآن کریم. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۴(۱)، صص ۳۳-۶۸.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.75141.22422>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

© ۱۴۰۵ «نویسندگان دارند حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



بر قرآن کریم انجام شده و از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی و از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. برای گردآوری و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی فرایند چرخه‌ای تحلیل استفاده شده و قلمرو پژوهش شامل کلیه آیات قرآن کریم بود که با بهره‌گیری از تفاسیر نور و نمونه، دلالت‌های رفتاری مرتبط با اصول اجتماعی و تعاملات انسانی، استخراج، مفهوم‌سازی و در چرخه‌های تحلیل سازماندهی شدند. در نتیجه، در مجموع ۱۱۲ مفهوم محوری استخراج شد که براساس قرابت محتوایی در قالب ۲۸ مفهوم فراگیر سطح اول و سپس ۷ مفهوم فراگیر سطح دوم سامان‌دهی شدند. در مرحله نهایی، مفاهیم با تجمیع مفهومی ذیل سه قاعده بنیادین «عدل و احسان»، «ادب و وفاداری» و «صلاحیت اجتماعی» قرار گرفتند. این سه قاعده، سازه مفهومی کلان اصول اجتماعی و تعاملات انسانی را در یک نظام رفتاری شکل می‌دهند که به‌عنوان ارکان اصلی یک نظام رفتاری قرآنی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در هدایت روابط اجتماعی، تنظیم الگوهای تعامل انسانی، ارتقای عدالت و احسان در مناسبات اجتماعی و سامان‌دهی کنش‌های فردی و جمعی در سطوح گوناگون سیستم‌های اجتماعی ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها

قرآن کریم، اصول اجتماعی، تعاملات انسانی، نظام رفتاری، سیستم اجتماعی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

رفتار، یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های انسان و جریان پویای شکل‌دهنده کنش‌ها در سیستم‌های اجتماعی است؛ جریانی که می‌تواند جوامع را با طیفی از فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدها مواجه سازد. یکی از مهم‌ترین عوامل جهت‌دهنده به رفتار انسانی در سطح فردی و جمعی، قواعد رفتاری^۱ است. قواعد رفتاری نه تنها جهت‌گیری رفتار سیستمی مورد انتظار را تعیین می‌کنند؛ بلکه هدایت‌کننده ارزش‌ها، هنجارها و شیوه عملکرد اعضای سیستم در راستای شکل‌دهی به فرهنگ مطلوب‌اند (Wood et al., 2019). این قواعد همچون زیرساختی حیاتی برای رفتار عمل می‌کنند و به عنوان ابزاری پذیرفته‌شده برای برانگیختن و نظارت بر رفتار مسئولانه، انسجام تصمیم‌گیری و تنظیم رفتار اجزای سیستم به کار می‌روند (Nijhof et al., 2003). از منظر نظری، قواعد رفتاری مجموعه‌ای سازمان‌یافته از اصول، هنجارها و استانداردها هستند که هم برای هدایت رفتار سیستمی و هم برای ارزیابی و قضاوت درباره رفتار مخاطبان نقش‌آفرینی می‌کنند (Rahim, 2019, p. 47). بدین‌سان، قواعد رفتاری با کاهش ابهام رفتاری، هم‌سو کردن کنشگران با ارزش‌های مشترک و ارتقای پاسخ‌گویی اجتماعی^۲، هماهنگی میان حوزه‌های تصمیم‌گیری و عملکرد را تقویت می‌کنند و بستر مدیریت تعارضات درونی سیستم را فراهم می‌آورند (Arrigo, 2006; Nijhof et al., 2003)؛ از این‌رو، در میان مجموعه متنوع ابزارهای مدیریتی و نهادی، قواعد رفتاری از سازوکارهای رایج برای حرکت سیستم‌ها به سوی توسعه پایدار – در کنار مقررات ملی و بین‌المللی – به‌شمار می‌روند (Schleper et al., 2013). افزون بر این، ادبیات مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهد ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری زمانی به رفتار پایدار و اثرگذار اجتماعی تبدیل می‌شوند که از سطح گفتمان فراتر روند و در قالب قواعدی قابل اجرا، قابل سنجش و قابل درونی‌سازی در رویه‌ها و روابط اجتماعی نهادینه شوند (Alkhadra, Khawaldeh & Aldehayyat, 2023)؛ بنابراین، شکل‌دهی قواعد رفتاری مبتنی بر چهارچوب‌های مطلوب و همسو با اهداف ارزشی،

1. codes of conduct

2. social accountability

یکی از رسالت‌های بنیادین هر سیستم اجتماعی است (قاسمی‌اصل، ۱۳۹۹).

در این میان، نظام رفتاری قرآن کریم جایگاهی ممتاز دارد. قرآن، به‌عنوان کلام وحی و مرجع مطلق معرفتی، جامع‌ترین، منسجم‌ترین و قابل‌اعتمادترین چهارچوب رفتاری را ارائه می‌دهد؛ چهارچوبی که تمامی ابعاد حیات انسانی، از جمله ابعاد اعتقادی، رفتاری، فردی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی را پوشش می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۳۶-۳۸). مرجعیت قرآن از آن جهت اهمیت دارد که برخلاف منابع انسانی، که دچار نسبیت، خطاپذیری و محدودیت هستند، منبعی مطلق، فرازمانی و فرافرهنگی است و می‌تواند مبنایی استوار برای طراحی نظام‌ها، قواعد رفتاری و الگوهای عملیاتی در سیستم‌های اجتماعی فراهم آورد. قرآن خود بر این جامعیت تصریح کرده و آن را راهنمایی برای بیان حقیقت هر آن چیزی معرفی می‌کند که در هدایت رفتار انسان ضرورت دارد: «مَا قُورْطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام، ۳۸)، «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا» (انعام، ۱۱۴)، «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹). چنین ویژگی‌هایی قرآن را به معتبرترین قلمرو برای کاوش و استخراج قواعد رفتاری تبدیل می‌کند و امکان ارائه یک چهارچوب مفهومی نظام‌مند از رفتار مطلوب در جامعه را فراهم می‌سازد.

بی‌تردید، یکی از ابعاد بنیادین نظام رفتاری قرآن، بعد اجتماعی و چگونگی تنظیم روابط انسان با دیگران در سطوح گوناگون حیات جمعی است؛ بعدی که زیربنای شکل‌گیری نظم اجتماعی، انسجام جمعی، مسئولیت‌پذیری متقابل و جهت‌دهی به کنش‌های اجتماعی در بستر جامعه به‌شمار می‌رود. اهمیت این پس از آن روست که حیات اجتماعی انسان بدون برخورداری از مجموعه‌ای روشن از قواعد ناظر بر عدالت، تعاون، همیاری، احترام متقابل، وفای به عهد، امانت‌داری، پرهیز از ظلم، اصلاح‌گری و رعایت حقوق دیگران، گرفتار آشفتگی هنجاری، تعارض و زوال سرمایه اجتماعی خواهد شد. در منطق قرآنی، جامعه تنها بستری برای هم‌زیستی فیزیکی افراد نیست؛ بلکه ساحتی برای تحقق ارزش‌های الهی در روابط انسانی و عرصه‌ای برای آزمون مسئولیت اجتماعی، رفتار جمعی و تعهد به خیر عمومی است؛ از این رو، بعد اجتماعی نظام رفتاری

قرآن یکی از محوری‌ترین مؤلفه‌هایی است که بدون تحلیل عمیق و مستند آن، فهم نظام رفتاری مبتنی بر قرآن ناقص خواهد بود و تبیین قواعد رفتاری برخاسته از آن از جامعیت و استحکام لازم برخوردار نخواهد شد.

با وجود اهمیت این حوزه، بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها، قواعد رفتاری قرآن را به صورت موضوع محور، موردی، یا محدود به برخی سوره‌ها و آیات تحلیل کرده‌اند؛ همچنین، اصول اجتماعی و تعاملات انسانی در قرآن بیشتر به گونه‌ای پراکنده، تفسیری، یا در چهارچوب مباحث رفتاری، حقوقی یا تربیتی مورد توجه قرار گرفته و ارتباط آن با «نظام قواعد رفتاری قرآن» به طور منسجم، جامع و روشمند بررسی نشده است. در واقع، بسیاری از مواجهه‌های رایج با رفتار اجتماعی قرآنی یا در سطح بیان ارزش‌ها و گزاره‌های کلی باقی مانده‌اند، یا به استشادهای موردی به برخی آیات محدود شده‌اند؛ ازاین‌رو، ظرفیت هنجارساز قرآن کمتر به صورت یک نظام مفهومی قاعده‌مند به ادبیات پژوهشی تبدیل شده است. در عین حال، در ادبیات معاصر حکمرانی اسلامی، تلاش‌هایی برای عملیاتی‌سازی ارزش‌های اسلامی و ترجمه آن‌ها به مدل‌ها، شاخص‌ها و سازوکارهای نهادی مشاهده می‌شود. برخی مطالعات نیز پیوند انطباق با شریعت را با سازوکارهای مسئولیت اجتماعی و حکمرانی در نهادها بررسی کرده‌اند (Azam et al., 2019). افزون‌براین، پژوهش‌های نظری و مدل‌محور در حوزه حسابداری و مالی اسلامی بر ضرورت تقویت چهارچوب‌های انطباق با شریعت و توسعه صورت‌بندی‌های دقیق‌تر از هنجارهای اسلامی برای کاربردهای نهادی تأکید کرده‌اند (Andrianto & Istanti, 2025; Menne & et al, 2024)؛ همچنین، برخی کارهای مفهومی نشان می‌دهند که می‌توان از ظرفیت ارزش‌های دینی در طراحی قواعد و سازوکارهای رفتاری بهره گرفت (Alkhadra et al., 2023; Choudhury, 2016). باین حال، این مطالعات بیشتر ناظر به استخراج مستقیم و نظام‌مند قواعد رفتار اجتماعی از متن قرآن نیستند و بیشتر بر مدل‌سازی نهادی و سازوکارهای حکمرانی تمرکز دارند.

ازاین‌رو، خلأ یک پژوهش جامع که با تحلیل کل‌نگر سوره‌های قرآن، چهارچوب مفهومی اصول اجتماعی و تعاملات انسانی را در ساختار نظام رفتاری مبتنی بر قرآن

کریم استخراج و به صورت روشمند طبقه‌بندی کند، به وضوح احساس می‌شود. این شکاف، هم از منظر علوم قرآنی، به دلیل ضرورت استنباط قاعده‌مند و پرهیز از برداشت‌های پراکنده، و هم از منظر علوم اجتماعی، به دلیل نیاز به عملیاتی‌سازی و قابلیت کاربرد در تربیت اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی، اهمیت دارد. از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است که با پرکردن این خلأ، به کاوش جامع، مستند و نظام‌مند اصول اجتماعی و تعاملات انسانی در قرآن کریم بپردازد و مؤلفه‌های بنیادین، روابط مفهومی و ساختار اجتماعی نظام رفتاری قرآن را استخراج و تبیین کند. نتایج این پژوهش، علاوه بر تکمیل ادبیات نظری رفتار اسلامی، چهارچوبی مفهومی برای فهم رفتار اجتماعی مطلوب، طراحی الگوهای رفتاری سیستمی و تقویت نظام‌های مدیریتی و اجتماعی مبتنی بر تعالیم قرآنی فراهم می‌آورد. این دستاورد می‌تواند مبنایی برای توسعه مدل‌های عملیاتی در سازمان‌ها، نهادهای اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های رفتاری باشد و بخشی از خلأ موجود در بهره‌برداری نظری و کاربردی از ظرفیت عظیم اجتماعی قرآن را برطرف سازد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

قواعد رفتار به عنوان سازوکاری رسمی برای تبدیل ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات سازمان به دستورالعمل‌های رفتاری مشخص تلقی می‌شود که مرزهای رفتار پذیرفتنی را تعیین کرده و پاسخ‌گویی اعضاء را تقویت می‌کند (Kaptein & Schwartz, 2008; Roy et al., 2024). در ادبیات علوم اسلامی، معادل قواعد رفتاری را می‌توان در قالب «سیره» (سیره عقلا و سیره متشرعه) یا «معروف» یافت که نشان‌دهنده اموری است که مورد توافق و پذیرش عمومی قرار گرفته‌اند (قاسمی اصل، ۱۳۹۹).

از سوی دیگر، اصول اجتماعی و تعاملات انسانی به مجموعه قواعد، ارزش‌ها، هنجارها و معیارهایی اطلاق می‌شود که کیفیت روابط میان فردی و میان‌گروهی را تعیین می‌کنند و انسجام، اعتماد و همکاری را در سیستم‌های اجتماعی شکل می‌دهند. از منظر نظری، این حوزه با مفاهیمی همچون سرمایه اجتماعی، نظم اجتماعی، عدالت توزیعی و

ارتباطات اخلاقی پیوند دارد و رفتار اجتماعی را در ساختارهای رسمی و غیررسمی هدایت می کند (Fischer, Karl & Fischer, 2019; Scott, 2013).

در منطق قرآن کریم، تعاملات انسانی بنیانی اخلاقی دارد و بر اصولی همچون عدالت، احسان، کرامت انسانی، صلاح اجتماعی، تعاون، مسئولیت پذیری، رفتار به حق، نرم خوئی، اصلاح، صداقت و رعایت حقوق دیگران استوار است. این اصول، چهارچوبی ارزشی برای تنظیم روابط در خانواده، جامعه، حکومت و گروه های انسانی فراهم می آورند (مصباح یزدی، ۱۳۸۵). در این دیدگاه، روابط انسانی در قرآن تنها هنجارهای اجتماعی نیستند؛ بلکه قواعدی الهی برای تنظیم تعاملات به منظور حفظ انسجام، عدالت، اعتماد و سلامت اجتماعی به شمار می روند.

در سطح بین المللی، پژوهش های متعددی به تدوین و تحلیل قواعد رفتاری و اخلاقی با محوریت آموزه های اسلامی پرداخته اند (Hayat, 2020) قواعد اخلاق قضایی اسلامی را بر اساس قرآن، سنت پیامبر و منابع حقوق اسلامی تحلیل کرده و آن ها را با مدل های غربی اخلاق قضایی مقایسه کرده است (Muhammad, 2018). با تمرکز بر حوزه پزشکی و پیراپزشکی نشان داده است که باورهای اسلامی می توانند رفتار حرفه ای کارکنان بهداشتی را در تعامل با بیماران و همکاران هدایت کنند؛ همچنین (Saidin & Abu 2005) اصول هشت گانه اخلاق مهندسان نرم افزار را از منظر اسلامی بررسی کرده اند. (Bakar

افزون براین، مطالعات دیگری بر نقش ارزش های اسلامی در سامان دهی رفتار اجتماعی و تعاملات انسانی تأکید دارند (Ali & et al., 2024) نشان دادند که اصولی مانند عدالت، احسان، کرامت انسانی، تعاون و مسئولیت اجتماعی از مهم ترین ارزش های اسلامی برای تقویت انسجام اجتماعی هستند (Junaidi, & et al., 2023) تأکید کردند که آموزه های قرآنی و سنت پیامبر چهارچوب دقیقی برای گفتار اخلاقی، رعایت ادب اجتماعی و پرهیز از خشونت کلامی فراهم می آورند (Solekhan, 2023). نیز نشان داد که رعایت اصول قرآنی مانند عدالت، صدق، احسان و احترام به حقوق دیگران می تواند رفتار حرفه ای و تعاملات اجتماعی مسلمانان را هدایت کند؛ همچنین (Mainyo, & Sule, 2023) تأکید کردند که عدالت، همکاری، کرامت انسانی و اصلاح اجتماعی از مهم ترین

سیستم‌های ارزشی هستند که قرآن برای سامان‌دهی روابط اجتماعی ارائه داده است. در ایران پژوهش‌های متعددی به تبیین قواعد رفتاری با رویکرد اسلامی پرداخته‌اند. قاسمی اصل (۱۳۹۷ و ۱۳۹۹) به مفهوم‌پردازی این قواعد با تأکید بر بعد اقتصادی پرداخته و ترک‌زاده و پیروی‌نژاد (۱۳۹۵) آن‌ها را در مدیریت سازمانی با محوریت سوره بقره تحلیل کرده‌اند. نصرتی‌خواه و همکاران (۱۴۰۱) نیز این قواعد را به صورت محدود بررسی نموده‌اند. در حوزه تدوین منشور اخلاقی، الوانی و بزرگ‌حداد (۱۳۹۴) چهارچوب اخلاق حرفه‌ای را در چهار بعد فرد، سازمان، جامعه و حکومت تبیین کرده‌اند؛ انصاریان (۱۳۹۶) قواعد اخلاقی دانشجویان را بررسی کرده، کریمی جهرمی (۱۳۹۸) نیز دستورات تربیتی را از نامه ۶۹ نهج‌البلاغه استخراج کرده است.

در حوزه اصول اخلاقی و اجتماعی قرآن نیز، فرشچیان و قنادی (۱۴۰۲) ویژگی‌هایی مانند احترام متقابل، صداقت، انصاف و مسئولیت‌پذیری را از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی دانسته و نقش آن‌ها را در تقویت سرمایه اجتماعی تبیین کرده‌اند. خسروی و همکاران (۱۴۰۴) نیز در «واکاوی ابعاد سلامت اجتماعی در قرآن»، آموزه‌هایی مانند عدالت اجتماعی، همدلی، تعاون و امنیت اخلاقی را بررسی کرده‌اند؛ همچنین فصیحی و محمدی (۱۴۰۳) در بررسی «ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم»، معیارهای اخلاقی-اجتماعی برای گفتار و تعاملات عمومی را تبیین کرده‌اند.

با وجود تلاش‌های پژوهشی انجام‌شده، بررسی‌ها نشان می‌دهد که مطالعات موجود بیشتر به تحلیل محدود و جزئی اصول اخلاق اجتماعی پرداخته‌اند و پژوهش جامعی که اصول اجتماعی قرآن را در قالب یک چهارچوب رفتاری منسجم، نظام‌مند و روشمند ارائه دهد، کمتر مشاهده می‌شود. به‌ویژه، ابعاد سازمان‌دهنده اصول اجتماعی، از جمله عدالت و احسان، ادب و وفاداری، و صلاحیت اجتماعی^۱، تاکنون به صورت یکپارچه و در قالب یک مدل عملیاتی تحلیل نشده‌اند. این خلأ پژوهشی سبب شده است که بسیاری از کاربردهای نظری و عملی آموزه‌های قرآنی در هدایت رفتار اجتماعی و

1. social competence

تنظیم تعاملات انسانی به طور کامل شناسایی و بهره‌برداری نشود.

ضرورت پژوهش حاضر از دو جنبه قابل تأکید است: نخست، بدون یک چهارچوب نظام‌مند، امکان تحلیل و طراحی رفتار اجتماعی بر اساس ارزش‌های قرآنی محدود خواهد بود و فهم دقیق ارتباط میان مبانی اعتقادی، قواعد رفتاری و کنش‌های اجتماعی دشوار می‌شود؛ دوم، نبود نظام منسجم موجب می‌شود که آموزه‌های رفتاری قرآن، علی‌رغم اهمیت و جامعیت، به صورت پراکنده و غیرکاربردی باقی بمانند؛ بنابراین، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و تحلیل محتوای آیات قرآن، تلاش می‌کند در جهت کاهش این خلأ، چهارچوبی ساختاری و عملیاتی برای فهم، تحلیل و هدایت رفتار اجتماعی در نظام ارزشی قرآن ارائه دهد. این چهارچوب می‌تواند پایه‌ای علمی برای مطالعات بعدی، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و طراحی برنامه‌های تربیتی و آموزشی مبتنی بر اصول قرآنی فراهم آورد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف کاوش چهارچوب مفهومی اصول اجتماعی و تعاملات انسانی در نظام رفتاری بر مبنای قرآن کریم، با رویکرد کیفی و بر اساس فرایند چرخه‌ای تحلیل انجام شده است. این روش، چنان‌که در پژوهش ترک‌زاده تبیین شده، توسعه‌یافته‌ی الگوی سارانتاکوس است و به صورت یک فرایند چهارمرحله‌ای شامل گردآوری اطلاعات، تقلیل احیاگرانه داده‌ها، سازماندهی و تحلیل اطلاعات، و تفسیر و نتیجه‌گیری به کار می‌رود (ترک‌زاده، ۱۳۸۸). در این روش، تحلیل به صورت خطی و ایستا انجام نمی‌شود؛ بلکه به طور مستمر، بازگشتی و تعاملی میان مراحل مختلف پیش می‌رود تا مفاهیم معنادار و روابط درونی آن‌ها آشکار شود (ترک‌زاده، ۱۳۸۸).

قلمرو داده‌های این پژوهش، تمامی آیات قرآن کریم بود و برای فهم دقیق‌تر دلالت‌های رفتاری آیات، از تفاسیر نور و نمونه بهره گرفته شد. انتخاب آیات بر اساس نسبت آن‌ها با قواعد رفتاری ناظر بر اصول اجتماعی و تعاملات انسانی انجام گرفت؛ بدین معنا که هر آیه‌ای که دلالت هدایتی، ارزشی، هنجاری یا رفتاری داشت، وارد فرایند تحلیل شد؛ همچنین برای

اعتباریابی یافته‌ها، از روش‌های تأییدپذیری و اتکاپذیری استفاده شد تا اطمینان حاصل شود داده‌ها و تحلیل‌ها معتبر، دقیق و قابل اعتماد هستند و نتایج پژوهش قابلیت بازتولید و ارزیابی علمی دارند (Nowell, et al., 2017 ; Lincoln & Guba, 1985). در این راستا، مسیر استخراج چهارچوب مفهومی پژوهش به صورت گام به گام و چرخه‌ای مستندسازی شد و نمونه‌ای از آیات مورد بررسی با شماره و ارجاع دقیق ذکر گردیده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. گردآوری اطلاعات

نخستین گام در فرایند چرخه‌ای تحلیل، به گردآوری اطلاعات اختصاص دارد که شامل چهار اقدام درهم تنیده‌ی «شناسایی زمینه‌ها و منابع اطلاعات مرتبط»، «جست‌وجو و کشف اطلاعات»، «استخراج و گردآوری اطلاعات» و «کدگذاری و دسته‌بندی اطلاعات در حال گردآوری» است (ترک‌زاده، ۱۳۸۸). در این پژوهش، تمامی آیات قرآن کریم به عنوان قلمرو داده‌ها و تفاسیر نور و نمونه به عنوان منابع تفسیری و بستر معنایی شناسایی شدند. سپس با تمرکز بر مسئله‌ی پژوهش، آیاتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم دارای دلالت‌های رفتاری، هدایتی، ارزشی یا هنجاری در حوزه‌ی اصول اجتماعی و تعاملات انسانی بودند، جست‌وجو و استخراج گردیدند.

گردآوری اطلاعات در این روش، فرایندی خطی، پوسته یا منفرد نیست؛ بلکه فعالیتی پویا، چندجانبه و تعاملی است که طی آن، قلمرو مفهومی و حدود دقیق‌تر پژوهش به تدریج و در رفت‌وبرگشت‌های مستمر میان آیات و تفاسیر شکل گرفت (ترک‌زاده، ۱۳۸۸). در جریان این گردآوری پویا، مفاهیم اولیه از دل آیات استخراج و ثبت شد که این موارد به عنوان مفاهیم پایه، مبنای چرخه‌های تحلیل در مراحل بعدی قرار گرفتند. با توجه به طولانی‌بودن فرایند گردآوری اطلاعات از کل قرآن کریم و حجم زیاد یافته‌ها در این مرحله، در جدول شماره (۱)، به جهت اختصار برخی از مفاهیم پایه استخراج شده به عنوان نمونه ارائه شده است.

جدول (۱): نمونه‌ای از مفاهیم پایه استخراج شده از قرآن کریم

ردیف	مفاهیم پایه	نام سوره و شماره مربوطه
۱	انجام دادن کار به نحو نیکو	بقره (۱۷۸، ۲۲۹)؛ سجده (۷)؛ غافر (۶۴)؛ تغابن (۳)
۲	بدی‌ها را با خوبی‌ها دفع کردن	هود (۱۱۴)؛ رعد (۲۲)؛ مومنون (۹۶)؛ قصص (۵۴)؛ فصلت (۳۴)
۳	تبدیل گناه به خوبی	نمل (۱۱)
۴	خیرخواه خدا و پیامبر ﷺ بودن	توبه (۹۱)
۵	خیرخواهی	اعراف (۲۱، ۶۲، ۶۸، ۷۹، ۹۳)؛ هود (۳۴)؛ یوسف (۱۱)؛ قصص (۱۲، ۲۰)؛ احزاب (۱۹)
۶	دوست داشتن خیرخواهان (ناصحان)	اعراف (۷۹)
۷	وفاداری در راه حق	نجم (۳۷)
۸	ایثار	حشر (۹)
۹	اتفاق کردن از امور مورد علاقه	آل عمران (۹۲)
۱۰	انجام کار خیر	بقره (۳۰، ۱۹۷، ۲۱۵)؛ آل عمران (۱۱۵)؛ نساء (۱۲۷)، (۱۴۹)؛ انعام (۱۵۸)؛ انبیاء (۷۳)؛ حج (۷۷)؛ ص (۴۷، ۴۸)؛ مزمل (۲۰)؛ زلزال (۷)
۱۱	تعاون در نیکی و پاکی (بر)	مائده (۲)
۱۲	تعاون در تقوا	مائده (۲)
۱۳	سبقت در خیرات	بقره (۱۴۸)؛ مائده (۴۸)؛ فاطر (۳۲)؛ واقعه (۱۰)
۱۴	شتاب در خیرات	آل عمران (۱۱۴)؛ طه (۸۴)؛ انبیاء (۹۰)؛ مومنون (۶۱)
۱۵	وساطت در کار خیر	نساء (۸۵)

ردیف	مفاهیم پایه	نام سوره و شماره مربوطه
۱۶	مانع خیر نبودن	ق (۲۵)؛ قلم (۱۲)
۱۷	انفاق را ضرر و زیان‌دانستن	توبه (۹۸)
۱۸	انفاق نکردن با کراهت و بی‌میلی	توبه (۵۴)
۱۹	انفاق کردن با رغبت و علاقه	بقره (۱۷۷)
۲۰	انفاق کردن در رفاه و تنگدستی	آل عمران (۱۳۴)
۲۱	انفاق به صورت پنهانی و یا آشکار	بقره (۲۷۱، ۲۷۴)؛ رعد (۲۲)؛ ابراهیم (۳۱)؛ نحل (۷۵)؛ فاطر (۲۹)
۲۲	انفاق کردن از چیزهای خوب و مرغوب و پسندیده و پاک	بقره (۲۱۵، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۳)

۴-۲. تقلیل احیاگرایانه داده‌ها

پس از استخراج مفاهیم پایه، مرحله‌ی «تقلیل احیاگرانه‌ی داده‌ها» آغاز شد. در فرایند چرخه‌ای تحلیل، تقلیل داده‌ها برخلاف روش‌های سنتی که به فروپاشی یا فروگذاری اطلاعات و ابعاد مرتبط با آن می‌انجامد، عملیاتی احیاگرانه است که هدف آن حفظ، اکتشاف و استخراج معانی، پیام‌ها، ابعاد و زمینه‌های درونی داده‌ها در قالبی ساده‌تر و در عین حال منسجم‌تر است (ترک‌زاده، ۱۳۸۸). در این مرحله، مفاهیم پایه‌ی استخراج شده از آیات در یک فرایند رفت‌و برگشتی مستمر، مورد بازخوانی، پالایش و سنجش قرار گرفتند. مفاهیم مشابه و هم‌خانواده بر اساس قرابت محتوایی و معنایی با یکدیگر ترکیب و ادغام شدند تا ساختاری متمرکزتر پدید آید؛ بدون آنکه دلالت‌های رفتاری اصیل آیات مخدوش گردد. لذا مفاهیم پایه احصا شده در مرحله‌ی قبل، ذیل ۱۱۲ مفهوم محوری دسته‌بندی و مفهوم‌سازی شدند (جدول ۲).

جدول ۲: مفاهیم محوری حول اصول اجتماعی و تعاملات انسانی

در سیستم‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم

مفاهیم محوری						
اجرای مجازات‌های شرعی قرآنی	خیرخواهی	احترام و ادب در رفتار	خیانت نکردن	عدم طغیان‌گری	پرهیز از شایعه‌پراکنی	امر به تقوا
قضاوت عادلانه	دفع بدی با نیکی	ملایمت و وقار در رفتار	تکلیف‌گرایی	امتناع نکردن از بندگی خدا	منع فریب و نیرنگ	امر به کار نیک
عدالت	ایثار	درستی و صداقت در گفتار	مسئولیت‌پذیری	دروغ‌نبستن به خدا و پیامبران	پرهیز از سیاه‌نمایی‌های حقایی	نهی نکردن از نیکی‌ها
قسط	انفاق	نرمی و مهربانی در گفتار	پاسخ‌گویی	افتراءنبستن	دوری از تزویر و ریا	نهی از زشتی
میزان	صدقه‌دادن	احترام و عدالت در گفتار	سهل‌انگاری نکردن و سبک‌شمردن فرامین الهی	تحقیر نکردن	دوری از بهانه‌جویی	نهی از فساد
دوری از تبعیض	پرداخت زکات	پرهیز از سخنان ناپسند	سستی نکردن	توهین نکردن به اسلام، مقدسات و مرکز مذهبی	عدم توجیه‌گری	نهی از بدی
فرق نگذاشتن میان پیامبران	پرداخت خمس	رعایت حریم و حقوق دیگران	منع فتنه‌گری	دشنام ندادن به مقدسات	اجتناب از دروغ‌گویی	عدم دعوت به بدی‌ها

مفاهیم محوری						
عدم جدایی انداختن میان خدا و پیامبران	قرض الحسنه	رفتار مؤدبانه و فروتنازه در معاشرت‌ها	عدم تفرقه افکنی و اختلاف	پرهیز از استهزاء	الفت و اخوت ایمانی	عدم اضلال و گمراه کردن دیگران
تجزیه نکردن آیات الهی	انجام عمل صالح	رفتار نیکو در گفت‌وگوهای خصوصی	عدم شبهه افکنی	عدم اشاعه فحشاء	انسجام و پرهیز از تفرقه	تدبر در قرآن
منع قتل نفس	عمل گرایی	تعاملات محترمانه و عدالت‌محور با دیگران	دشمنی نکردن با آیات الهی	دوری از تملق دوستی و تملق گرایی	انسجام در عمل و جهاد گروهی	مهوریت زدایی از قرآن
عدم تعدی	عمل به شعائر	راست گویی و صداقت	دشمنی نکردن با خدا	دوری از فساد	کمک به همدیگر	تلاوت قرآن
نفی سلطه گری و سلطه پذیری	انجام کار خیر	همراهی با صادقان	دشمنی نکردن با پیامبران	چشم‌نداشتن به داشته‌های دیگران	برخورد مهربانانه	عمل به قرآن
ظلم نکردن	تعاون در خیرات	رازداری	دشمنی نکردن با فرشتگان	سرقت نکردن	مشورت در امور	اصلاح اعمال
نیکی به دیگران	سبقت در خیرات	ادای امانت	دشمنی نکردن با حق	نخوردن مسکرات	تعاون و همکاری	اصلاح ذات البین
انجام کار نیک	وساطت در کار خیر	وفا به عهد و پیمان	دوری از دشمنی و کینه	پرهیز از آزار و اذیت	عبادت دسته جمعی	اصلاح امور یتیمان
انجام کار به نحو نیکو	مانع خیر نبودن	نقض نکردن عهد	نافرمانی نکردن از فرامین الهی و انبیاء	منع منت‌گذاری در احسان	مشارکت در تعیین سرنوشت	مداخله مسئولانه

۳-۴. سازماندهی و تحلیل اطلاعات

در این مرحله، سازماندهی و تحلیل اطلاعات به منظور تسهیل کارکرد استنتاج و آشکارسازی پیوندهای مفهومی میان داده‌ها انجام گرفت؛ چرا که در فرایند چرخه‌ای تحلیل، سازماندهی و تحلیل اطلاعات به صورت متقابل، فزاینده و غیرخطی در هم تنیده‌اند (ترک‌زاده، ۱۳۸۸). برای این اساس، ۱۱۲ مفهوم محوری حاصل از مرحله‌ی قبل (تقلیل احیاگرانه)، براساس پیوندهای مفهومی و کارکردهای رفتاری، در سطوح بالاتر سازماندهی و تحلیل شدند. این فرایند به طور تدریجی و پویا به انتزاع مفاهیم در سه سطح فراگیر (۲۸ مفهوم در سطح نخست، ۷ مفهوم در سطح دوم و ۳ مفهوم در سطح سوم) انجامید. تعداد، سطوح و نحوه استقرار این مفاهیم، از قبل تعیین شده نبود؛ بلکه کاملاً برآمده از فرایند اکتشافی و «پیش‌رونده» تحلیل بود که در نهایت ذیل عنوان اصول اجتماعی و تعاملات انسانی بازنشانی و نظام‌مند شد (جدول ۳).

جدول ۳: مفاهیم محوری و فراگیر حول اصول اجتماعی و تعاملات انسانی در

سیستم‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم

مفاهیم محوری	مفاهیم فراگیر سطح اول	مفاهیم فراگیر سطح دوم	مفاهیم فراگیر سطح سوم
اجرای مجازات‌های شرعی	تحقق عدالت قضایی و حدود الهی	عدالت و انصاف	عدل و احسان
قرآنی			
قضاوت عادلانه	عدالت		
عدالت			
قسط			
میزان	عدم تبعیض		
دوری از تبعیض			
فرق‌نگذاشتن میان پیامبران			

مفاهیم محوری	مفاهیم فراگیر سطح اول	مفاهیم فراگیر سطح دوم	مفاهیم فراگیر سطح سوم
عدم جدایی انداختن میان خدا و پیامبران	عدم تعدی		
تجزیه نکردن آیات الهی			
منع قتل نفس			
عدم تعدی			
نفی سلطه گری و سلطه پذیری			
ظلم نکردن			
نیکی به دیگران	احسان		
انجام کار نیک			
انجام کار به نحو نیکو			
خیرخواهی			
دفع بدی با نیکی			
ایثار			
انفاق	انفاق	خیرخواهی و نیکی	
صدقه دادن			
پرداخت زکات			
پرداخت خمس			
قرض الحسنه			
انجام عمل صالح	عمل صالح		
عمل گرایی			
عمل به شعائر			

مفاهیم محوری	مفاهیم فراگیر سطح اول	مفاهیم فراگیر سطح دوم	مفاهیم فراگیر سطح سوم	
انجام کار خیر	خیرخواهی			
تعاون در خیرات				
سبقت در خیرات				
وساطت در کار خیر				
مانع خیر نبودن				
احترام و ادب در رفتار	ادب در رفتار	ادب	ادب و وفاداری	
ملایمت و وقار در رفتار				
درستی و صداقت در گفتار	ادب در گفتار			
نرمی و مهربانی در گفتار				
احترام و عدالت در گفتار				
پرهیز از سخنان ناپسند				
رعایت حریم و حقوق دیگران	ادب در روابط اجتماعی			
رفتار مؤدبانه و فروتنانه در معاشرت‌ها				
رفتار نیکو در گفت‌وگوهای خصوصی				
تعاملات محترمانه و عدالت‌محور با دیگران				
راست‌گویی و صداقت	صداقت	تعهد و وفاداری		
همراهی با صادقان				

مفاهیم محوری	مفاهیم فراگیر سطح اول	مفاهیم فراگیر سطح دوم	مفاهیم فراگیر سطح سوم
رازداری	امانتداری		
ادای امانت			
وفا به عهد و پیمان			
نقض نکردن عهد			
خیانت نکردن			
تکلیف گرایی	تعهد		
مسئولیت پذیری			
پاسخ گویی			
سهل انگاری نکردن و سبک نشمردن فرامین الهی			
سستی نکردن			
منع فتنه گری	پرهیز از فتنه گری	پرهیز از رفتارهای ناهنجار اجتماعی	صلاحیت اجتماعی
عدم تفرقه افکنی و اختلاف			
عدم شبهه افکنی			
دشمنی نکردن با آیات الهی	پرهیز از خصومت		
دشمنی نکردن با خدا			
دشمنی نکردن با پیامبران			
دشمنی نکردن با فرشتگان			
دشمنی نکردن با حق			
دوری از دشمنی و کینه			

مفاهیم محوری	مفاهیم فراگیر سطح اول	مفاهیم فراگیر سطح دوم	مفاهیم فراگیر سطح سوم
نافرمانی نکردن از فرامین الهی و انبیاء	پرهیز از سرکشی		سطح سوم
عدم طغیان گری			
ابا و امتناع نکردن از بندگی خدا			
دروغ نبستن به خدا و پیامبران	دوری از اتهام پراکنی		
افتراء نبستن			
عدم اشاعه فحشاء	دوری از ناهنجاری های اجتماعی		
دوری از تملق دوستی و تملق گرایی			
دوری از فساد			
چشم نداشتن به داشته های دیگران			
سرقت نکردن			
نخوردن مسکرات			
پرهیز از آزار و اذیت			
منع منت گذاری در احسان			
پرهیز از شایعه پراکنی			
منع فریب و نیرنگ	دوری از فریبکاری		
پرهیز از سیاه نمایی حقایق			
دوری از تزویر و ریا			

مفاهیم محوری	مفاهیم فراگیر سطح اول	مفاهیم فراگیر سطح دوم	مفاهیم فراگیر سطح سوم
دوری از بهانه‌جویی عدم توجه‌گری اجتناب از دروغ‌گویی	وحدت	انسجام اجتماعی	الفت و اخوت ایمانی
			انسجام و پرهیز از تفرقه
			انسجام در عمل و جهاد گروهی
کمک به همدیگر برخورد مهربانانه	همدلی	انسجام اجتماعی	مشورت در امور
			تعاون و همکاری
عبادت دسته‌جمعی مشارکت در تعیین سرنوشت	جمع‌گرایی	انسجام اجتماعی	امر به تقوا
			امر به کار نیک
			نهی نکردن از نیکی‌ها
نهی از زشتی نهی از فساد نهی از بدی عدم دعوت به بدی‌ها عدم اضلال و گمراه کردن دیگران	نهی از منکر	اصلاح اجتماعی	نهی از زشتی
			نهی از فساد
			نهی از بدی
			عدم دعوت به بدی‌ها
			عدم اضلال و گمراه کردن دیگران

مفاهیم محوری	مفاهیم فراگیر سطح اول	مفاهیم فراگیر سطح دوم	مفاهیم فراگیر سطح سوم	
تدبر در قرآن مهوریت زدایی از قرآن تلاوت قرآن عمل به قرآن اصلاح اعمال اصلاح ذات البین اصلاح امور یتیمان مداخله مسئولانه	احیای قرآن			
	اصلاح گری			

۴-۴. تفسیر و نتیجه گیری

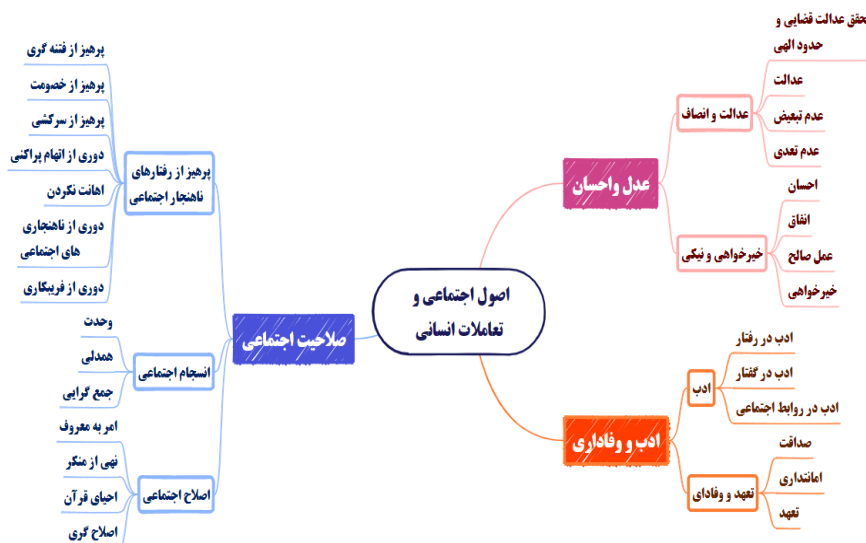
مرحله‌ی نهایی این فرایند، به «تفسیر و نتیجه‌گیری» اختصاص یافت که به عنوان یک کارکرد ساختاری و نظری، برای تبیین الگوهای رفتاری و برقراری پیوندهای مفهومی میان سطوح مختلف مفاهیم به کار می‌رود (ترک‌زاده، ۱۳۸۸). در این گام، یافته‌های حاصل از چرخه‌های پیشین تحلیل، تفسیر شدند تا جهت‌گیری کلی و ساختار تعاملات انسانی بر مبنای قرآن کریم آشکار گردد. این مرحله با تحلیل روابط درونی میان مفاهیم فراگیر و تبیین نظام‌مند آن‌ها، بستر لازم را برای ارائه‌ی چهارچوب مفهومی نهایی اصول اجتماعی و تعاملات انسانی در نظام رفتاری قرآن کریم فراهم ساخت و مبنایی منسجم برای فهم کاربرد و تعمیم نظری یافته‌ها ارائه داد.

براین اساس با توجه به تحلیل روابط مفهومی مفاهیم ارائه‌شده در جدول شماره (۳)، می‌توان دریافت در چهارچوب نظام رفتاری مبتنی بر قرآن کریم، سه مفهوم فراگیر به عنوان ابعاد اجتماعی قواعد رفتار در سیستم‌های اجتماعی قابل تبیین‌اند؛ ابعادی که

معیارهای هنجاری، کیفیت ارتباطات و مکانیسم‌های پایداری نظم اجتماعی را صورت‌بندی می‌کند. عدل و احسان بعد هنجاری قواعد رفتار را شکل می‌دهد؛ به این معنا که عدل حداقل الزام برای تنظیم روابط و صیانت از حقوق (از جمله در داوری و رعایت حدود) را فراهم می‌آورد و احسان به مثابه مکمل عدالت، ظرفیت همیاری و خیرخواهی را در کنش اجتماعی فعال می‌کند و تعاملات را از سطح الزام حقوقی به سطح تعاون اخلاقی ارتقا می‌دهد. ادب و وفاداری بعد ارتباطی - اعتمادساز این قواعد است و با تنظیم گفتار و رفتار (احترام، نرمی، رعایت حریم‌ها و پرهیز از رفتارهای آسیب‌زا) و نیز تثبیت تعهدات (صدق، امانت‌داری، وفای به عهد و مسئولیت‌پذیری)، قابلیت اتکای تعاملات و استمرار همکاری را در شبکه روابط اجتماعی افزایش می‌دهد.

در سطح کلان‌تر، صلاحیت اجتماعی بعد سیستمی قواعد رفتار را نمایندگی می‌کند؛ بدین معنا که با تعریف مرزهای پیشگیری از ناهنجاری‌ها، تقویت انسجام اجتماعی و فعال‌سازی سازوکارهای اصلاح (مانند اصلاح ذات‌البین و امر به معروف و نهی از منکر)، امکان خودتنظیمی و ترمیم‌پذیری سیستم اجتماعی را فراهم می‌سازد. از این منظر، نسبت این سه مفهوم با هم چنین است: عدل و احسان «معیارهای هنجاری» را تعیین می‌کنند، ادب و وفاداری «کیفیت و اعتماد در تعاملات» را تضمین می‌نمایند، و صلاحیت اجتماعی «پایداری و اصلاح‌پذیری سیستم» را پشتیبانی می‌کند؛ برآیندی که در نهایت، ظرفیت تحقق نظم اجتماعی مطلوب و تقویت بستر حیات طیبه را در سطح جمعی فراهم می‌آورد.

به منظور نمایش عینی این روابط و نحوه چینش ابعاد و پیوندهای کارکردی میان آن‌ها، شبکه مفاهیم مرتبط با بعد اجتماعی قواعد رفتار (مستخرج از یافته‌های پژوهش و مبتنی بر جدول (۳) در شکل (۱) ارائه شده است؛ با این حال، به منظور رعایت اختصار، مفاهیم محوری در این شکل لحاظ نشده است.



شکل ۱: چهارچوب مفهومی اصول اجتماعی و تعاملات انسانی در نظام رفتاری مبتنی بر قرآن کریم

۵. عدل و احسان

عدل در لغت به معنای حدّ وسط میان افراط و تفریط (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۵۵) و در برابر جور و ستم است (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۱۵۴). در کلام گهربار امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، عدالت «قراردادن هر چیز در جای خود» معرفی شده است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). برخی مفسران نیز صراط مستقیم را به عدالت تفسیر کرده‌اند. از همین رو قرآن کریم در فرمانی بنیادین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰)؛ بدین معنا که عدالت اصل سامان‌دهی فرد و جامعه و مقدمه کمال رفتاری است.

قرآن کریم عدل را اصلی جاری در نظام هستی معرفی می‌کند؛ چنان که خداوند خود را «قائماً بالقسط» می‌خواند (آل عمران، ۱۸) و هدف بعثت پیامبران را قیام مردم به قسط می‌داند (حدید، ۲۵). در عرصه اجتماعی نیز مؤمنان مأمورند هنگام داوری به عدالت رفتار کنند (نساء، ۵۸) و حتی در مواجهه با دشمنان از عدالت فاصله نگیرند؛ زیرا «اعْدِلُوا هُوَ

أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده، ۸). قرآن هر گونه تجاوز از حدود الهی را ظلم می نامد (بقره، ۲۲۹) و تأکید می کند که خداوند حتی به اندازه ذره ای ستم نمی کند (نساء، ۴۰). براین اساس، عدل در منطق قرآن به معنای نظم، تعادل، رعایت حقوق و حرکت در مسیر مستقیم الهی است.

با این حال، عدل در نظام رفتاری قرآن پایان مسیر نیست، اگر عدل بیانگر رعایت حقوق و انجام وظایف باشد، «احسان» مرتبه ای است که روابط انسانی را از سطح الزام حقوقی به عرصه محبت، ایثار و خیرخواهی ارتقا می دهد. فخر رازی نیز عدل را انجام واجبات و احسان را افزون دادن بر آن دانسته است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق).

واژه «احسان» از ریشه «حسن» به معنای هر امر نیکو و بهجت آفرین گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۸۹). در اصطلاح، احسان انجام کار نیک یا رساندن نفع به دیگری با انگیزه الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۳۲). قرآن مصادیق گسترده ای برای احسان بیان می کند؛ از جمله نیکی به والدین و نیازمندان (بقره، ۸۳؛ احقاف، ۱۵)، انفاق و زکات (آل عمران، ۱۳۴؛ لقمان، ۳-۴)، تأمین زندگی محرومان (ذاریات، ۱۶-۱۹)، عفو و گذشت (آل عمران، ۱۳۴؛ مائده، ۱۳) و صلح و سازگاری (نساء، ۱۲۸). این گستره نشان می دهد که احسان در اسلام نه کنشی مقطعی، بلکه سبکی تعالی بخش در زندگی فردی و اجتماعی است. اهمیت آن تا آنجاست که قرآن احسان را شرط برخورداری از محبت الهی می داند: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۱۹۵) و «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن، ۶۰).

براین اساس، قرآن کریم عدل و احسان را دو اصل مکمل در سامان دهی روابط انسانی معرفی می کند. عدل با تضمین رعایت حقوق و جلوگیری از ظلم، ثبات و اعتماد اجتماعی را فراهم می آورد؛ در حالی که احسان با تقویت گذشت، همدلی و تعاون، کیفیت روابط انسانی را ارتقا می دهد. پیوند این دو اصل الگویی دوجبهی برای تنظیم رفتار فردی و کارکرد نظام های اجتماعی ارائه می کند که از ارکان اساسی پایداری، انسجام و تحقق حیات طیبه در سیستم های اجتماعی است.

۶. ادب و وفاداری

ادب در متون اسلامی به عنوان هیأتی پسندیده تعریف شده است که طبع سالم آن را شایسته حاکمیت بر اعمال انسان می‌داند و در حقیقت به معنای ظرافت در عمل، جمع صفات نیک و دوری از صفات ناپسند است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۶۶؛ دیلمی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۸۳). در قرآن کریم، ادب مفهومی جامع در تنظیم حیات انسانی است که تنها به ظاهر رفتار محدود نمی‌شود؛ بلکه گفتار، کردار و روابط اجتماعی را در بر می‌گیرد.

تأکید قرآن بر «قول حسن» و «قول کریم» (بقره، ۸۳؛ اسراء، ۲۳) بیانگر ضرورت پرهیز از گفتار خشن و تحقیرآمیز و جایگزینی آن با سخن محترمانه و نیکو است. در بعد رفتاری نیز بر نرمی و تواضع تأکید شده است؛ چنان که نرم‌خویی پیامبر اکرم ﷺ جلوه‌ای از رحمت الهی معرفی شده است (آل عمران، ۱۵۹) و مؤمنان به فروتنی و پرهیز از تکبر فراخوانده شده‌اند (حجر، ۸۸؛ اسراء، ۳۷). در سطح روابط اجتماعی نیز قرآن با نهی از تمسخر، عیب‌جویی، لقب‌گذاری زشت، سوءظن، تجسس و غیبت (حجرات، ۱۱-۱۲) نشان می‌دهد که ادب اجتماعی نه تنها به ظاهر رفتار، بلکه به نیت‌ها و کیفیت تعاملات انسانی نیز مربوط است؛ همچنین توصیه به سلام‌گویی نیکوتر، عدالت‌ورزی، احسان و دفع بدی با نیکی (نساء، ۸۶؛ نحل، ۹۰؛ فصلت، ۳۴) از اصول بنیادین روابط سالم اجتماعی است.

در کنار ادب، وفاداری از ارزش‌های اساسی در اخلاق قرآنی است که به عنوان نشانه ایمان و نیکوکاری معرفی شده است (مؤمنون، ۸؛ معارج، ۳۲؛ بقره، ۱۷۷) و «صادق‌الوعد» بودن از صفات برجسته حضرت اسماعیل علیه السلام دانسته شده است (مریم، ۵۴). وفاداری به معنای ترک غدر و پایبندی به تعهدات است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۳۹۸) و مشتقات آن از ریشه «وفی» بارها در قرآن آمده است. این مفهوم افزون‌بر رابطه انسان با خدا، در روابط انسانی نیز جلوه می‌یابد؛ از جمله وفای به پیمان‌ها (اسراء، ۳۴)، پایبندی به مسئولیت‌های اجتماعی و رعایت حقوق دیگران که در قالب صداقت، امانت‌داری و تعهد نمود پیدا می‌کند (نساء، ۵۸).

در نتیجه آنچه گفته شد، در تار و پود سیستم‌های اجتماعی «ادب و وفاداری» از

ارکان بنیادین پایداری و تعالی‌اند. رعایت ادب در گفتار، رفتار و روابط اجتماعی، محیطی امن و احترام‌آمیز برای تعاملات فراهم کرده و زمینه همکاری و رشد جمعی را تقویت می‌کند. در کنار آن، وفاداری که در صداقت، امانت‌داری و تعهد تجلی می‌یابد، اعتماد متقابل را افزایش داده و روابطی پایدار و سازنده ایجاد می‌کند. نهادینه‌شدن این اصول، با کاهش بی‌اعتمادی و اختلالات رفتاری، به تقویت سرمایه اجتماعی، انسجام درونی و تحقق حیات طیبه نظام اجتماعی می‌انجامد.

۷. صلاحیت اجتماعی

صلاحیت اجتماعی در قرآن کریم یکی از اصول بنیادین سامان‌دهنده رفتار جمعی و تنظیم‌کننده روابط انسانی است و مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و هنجارهای رفتاری را در بر می‌گیرد که سلامت تعاملات و پایداری نظام‌های اجتماعی را تضمین می‌کنند. این مفهوم در چهارچوب قرآنی بر سه محور اساسی استوار است: پرهیز از ناهنجاری‌های اجتماعی، تقویت انسجام اجتماعی و تحقق اصلاح اجتماعی.

در گام نخست، قرآن کریم دوری از رفتارهایی را که موجب اختلال در نظم اجتماعی می‌شوند شرط دستیابی به صلاحیت اجتماعی می‌داند. فتنه‌گری، تفرقه، فساد پس از اصلاح زمین و رفتارهای مخرب اجتماعی نکوهش شده‌اند (آل عمران، ۱۰۳؛ اعراف، ۵۶؛ بقره، ۱۹۱)؛ همچنین رفتارهایی مانند سوءظن، تمسخر، تجسس، اتهام‌پراکنی، آزار دیگران و اشاعه فحشا از جمله ناهنجاری‌هایی هستند که سلامت جامعه را تهدید می‌کنند (اسراء، ۳۶؛ حجرات، ۱۱-۱۲؛ نور، ۱۹؛ احزاب، ۵۸). پرهیز از این رفتارها شرطی اساسی برای مدیریت صحیح تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری صلاحیت اجتماعی محسوب می‌شود.

در کنار این بعد سلبی، قرآن بر اهمیت انسجام اجتماعی تأکید می‌کند. فرمان «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳) بیانگر آن است که جامعه مطلوب قرآنی جامعه‌ای هم‌گرا و متحد است. در این نگرش، صلاحیت اجتماعی تنها به رفتار فردی محدود نمی‌شود؛ بلکه در توانایی افراد برای مشارکت در همبستگی اجتماعی و

ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی نیز نمود می‌یابد. این انسجام در قالب وحدت، همدلی و احساس مسئولیت جمعی شکل می‌گیرد و جامعه را به سوی اعتماد متقابل، آرامش اجتماعی و همکاری سازنده سوق می‌دهد.

اصلاح اجتماعی نیز غایت صلاحیت اجتماعی در قرآن است. اصلاح به معنای سامان دادن و به صلاح آوردن امور است (طوسی، ۱۴۰۹ق). رسالت پیامبر اسلام ﷺ نیز دربردارنده اصلاح باورها، رفتارها و ساختارهای اجتماعی و استقرار قسط و عدل بوده است (حدید، ۲۵؛ جمعه، ۲). قرآن عرصه‌های مختلفی برای اصلاح بیان می‌کند؛ از جمله اصلاح فردی، اصلاح میان افراد، اصلاح در خانواده و اصلاح در سطح جامعه (انفال، ۱؛ نساء، ۱۲۸؛ هود، ۸۸؛ اعراف، ۱۴۲).

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای قرآنی برای تحقق اصلاح اجتماعی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که در صیانت از سلامت اخلاقی جامعه نقش اساسی دارد. قرآن این وظیفه را نشانه پیوند اجتماعی مؤمنان معرفی می‌کند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۱) و آن را از ویژگی‌های امت اسلامی می‌داند (آل عمران، ۱۱۰).

در کنار این سازوکار، احیای قرآن نیز نقشی بنیادین در اصلاح اجتماعی دارد؛ زیرا قرآن معیار تشخیص معروف و منکر و راهنمای استوارترین شیوه زندگی معرفی شده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، ۹). احیای قرآن به معنای زنده نگه داشتن آموزه‌های وحیانی در اندیشه و عمل فردی و اجتماعی است و از طریق تلاوت، تدبر و عمل به قرآن تحقق می‌یابد.

براین اساس صلاحیت اجتماعی در قرآن، ظرفیتی نظام‌مند برای تأمین سلامت رفتاری و نهادی است که با ارتقای کیفیت کنش جمعی و تعمیق اعتماد، بستر پایداری زیست موحدانه را فراهم می‌کند. این صلاحیت از یک سو با نفی رفتارهای واگرا (مانند تفرقه، تمسخر و آزار) زمینه‌ساز انسجام و همکاری پایدار می‌شود و از سوی دیگر، از طریق سازوکارهایی چون «امر به معروف و نهی از منکر» و «مرجعیت‌بخشی به آموزه‌های وحیانی»، توان خودتنظیمی و اصلاح به‌موقع انحرافات را در سیستم اجتماعی نهادینه

می‌سازد. براین اساس، صلاحیت اجتماعی نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه راهبردی ساختاری برای بازتولید سرمایه اجتماعی و تحقق «حیات طیبه» است که پایداری نظام‌مند جامعه را تضمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل نظام‌مند و بررسی محتوایی آیات قرآن کریم در این پژوهش، مشخص می‌شود که قرآن به عنوان منبع بنیادین معرفت دینی، ظرفیت بالایی برای استخراج اصول و قواعد ناظر بر ابعاد مختلف حیات انسانی دارد. انسجام مفهومی و جهت‌مندی هدایتی آیات این امکان را فراهم می‌کند که فراتر از برداشت‌های جزئی، مبانی و الگوهای عام رفتاری از متن قرآن استنباط شود؛ از این رو، قرآن نه مجموعه‌ای پراکنده از توصیه‌ها، بلکه چهارچوبی منسجم برای صورت‌بندی الگوهای کلان رفتار انسانی ارائه می‌دهد.

در همین چهارچوب، پژوهش حاضر با تمرکز بر بازشناسی نظام رفتاری مبتنی بر قرآن، مفاهیم اجتماعی آیات را تحلیل و در قالب الگویی مفهومی سامان‌دهی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که اصول اجتماعی مستخرج از آیات در سه محور بنیادین «عدل و احسان»، «ادب و وفاداری» و «صلاحیت اجتماعی» قابل صورت‌بندی‌اند؛ محورهایی که در تعامل با یکدیگر الگویی هماهنگ برای هدایت روابط انسانی و تقویت همبستگی اجتماعی فراهم می‌آورند.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم چهارچوبی نظام‌مند برای قواعد رفتار اجتماعی ارائه می‌کند که در آن، «عدل و احسان» معیارهای هنجاری تنظیم روابط را فراهم می‌آورند، «ادب و وفاداری» کیفیت ارتباطی و اعتماد متقابل را تثبیت می‌کنند، و «صلاحیت اجتماعی» پایداری، سلامت و اصلاح‌پذیری سیستم اجتماعی را پشتیبانی می‌نماید. برآیند هم‌افزایی این ابعاد، شکل‌گیری نظم اجتماعی مطلوب و تقویت بستر «حیات طیبه» در سطح جمعی است. پژوهش حاضر با ارائه نقشه مفهومی بعد اجتماعی قواعد رفتار، بخشی از خلأ مطالعاتی در حوزه تحلیل نظام‌مند آموزه‌های اجتماعی قرآن کریم را پوشش داده و می‌تواند مبنایی نظری برای تحلیل رفتار

اجتماعی، طراحی الگوهای تربیتی-رفتاری و تدوین منشورهای رفتاری در سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی قرار گیرد؛ همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با بهره‌گیری از رویکردهای میان‌رشته‌ای و روش‌های تجربی، کارآمدی این چهارچوب را در حوزه‌هایی چون آموزش، مدیریت، حکمرانی و سرمایه اجتماعی مورد آزمون قرار دهند تا امکان بهره‌برداری روشمند از نظام رفتاری قرآن کریم بیش از پیش فراهم شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۵). بیروت: دارصاد.
- انصاریان، الهام. (۱۳۹۶). کدهای اخلاقی دانشجویان با رویکرد اخلاق اسلامی. تهران: سطرو قلم.
- ترک زاده، جعفر. (۱۳۸۸). روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پربعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۵ (۶۱)، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- ترک زاده، جعفر؛ پیروی‌نژاد، زینب. (۱۳۹۵). قواعد ساده رفتار از منظر قرآن کریم (مطالعه موردی سوره بقره): کاربرست در سازمان و مدیریت. مطالعات دین معنویت و مدیریت، ۵ (۸-۹)، صص ۷۵-۱۰۲.
- خسروی، محبوبه؛ رحمانی، جهانبخش و شمشیری، محمدرضا. (۱۴۰۴). واکاوی مؤلفه‌ها و ابعاد سلامت اجتماعی در قرآن به منظور ارائه استلزامات تربیتی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۳ (۴)، صص ۷۱-۹۶.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۲). ارشاد القلوب الی الصواب (ج ۱). مترجم عبدالحسین رضائی، جلد ۱، تهران: اسلامیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. (مترجم: غلامرضا خسروی، ۴)، تهران: مرتضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن. (مترجم غلامرضا خسروی، چاپ دوم).، تهران: مرتضوی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱، ۶ و ۱۲)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ ق). التبیان فی التفسیر القرآن. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۸ ق). کتاب العین (محققان: مهدی محزومی و ابراهیم سامرائی، ج ۲). قم: انتشارات هجرت.
- فرشچیان، علیرضا؛ قنادی، امیرحسین. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های اخلاقی در سبک زندگی اسلامی با تأکید بر گفت‌وگو و تعامل. شریعت، فلسفه و اخلاق، ۸ (۴)، صص ۱-۱۵.
- فصیحی، احمد؛ محمدی، محمدحسین. (۱۴۰۳). ضوابط آزادی بیان در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه مفسران فریقین. غالب ۱۳ (۲)، صص ۱۲۰-۱۰۳.
- قاسمی اصل، محمد جواد. (۱۳۹۷). قواعد رفتاری در اقتصاد اسلامی؛ مفهوم، ویژگی‌ها، رویکردهای نظری و مبانی عملی. پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۴ (۷)، صص ۴۱-۶۴.
- قاسمی اصل، محمد جواد. (۱۳۹۹). عوامل تحقق، تغییر و استمرار «قواعد رفتاری» مبتنی بر انسان‌شناسی و فقه اسلامی. پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۶ (۱۱)، صص ۵۵-۷۴.
- کریمی جهرمی، علی. (۱۳۹۸). صبح سعادت (منشور اخلاق در مکتب امیرالمومنین علیه السلام). تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). اصول اخلاق اجتماعی در اسلام. تهران: نشر حق.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نصرتی خواه، نصراله؛ موسوی سادات، سیده مدینه؛ زاهدی کیا، سیدرسول و هوشیاری، طیه. (۱۴۰۱). برخی از قواعد رفتاری حاکم بر تعاملات انسانی، دهمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مرکز همایش‌ها و کنفرانس بوعلی سینا. همدان: شبکه دانشگاه‌های مجازی جهان اسلام.
- الوانی، سیدمهدی؛ بزرگ حداد، الهام. (۱۳۹۴). جامعیت منشور اخلاقی در کلام مولا علی علیه السلام، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۳ (۴۶)، صص ۳۱-۵۱.

- Ali, Z., Anjum, G. M., Iqbal, J., & Ahmad, I. (2024). The role of Islamic values in promoting social justice and community welfare. *International Research Journal of Management and Social Sciences*, 5(1), pp. 575–585.
- Alkhadra, W. A., Khawaldeh, S., & Aldehayyat, J. (2023). Relationship of ethical leadership, organizational culture, corporate social responsibility and organizational performance: A test of two mediation models. *International Journal of Ethics and Systems*, 39(4), pp. 737–760. <https://doi.org/10.1108/IJOES-05-2022-0092>
- Andrianto, A., & Istanti, E. (2025). Social accounting in social justice morality in Islamic banks. *Journal of Accounting Science*, 9(2), pp. 258–271. <https://doi.org/10.21070/jas.v9i2.1995>.
- Arrigo, E. (2006). Code of conduct and corporate governance. *Symphonya. Emerging Issues in Management*, (1), pp. 93–109.
- Azam, M., Khalid, M. U., & Zia, S. Z. (2019). Board diversity and corporate social responsibility: The moderating role of Shariah compliance. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 19(6), pp. 1274–1288. <https://doi.org/10.1108/CG-01-2019-0022>.
- Choudhury, M. A. (2016). Religion and social economics: A systemic theory of organic unity. *International Journal of Social Economics*, 43(2), pp. 134–160. <https://doi.org/10.1108/IJSE-04-2014-0066>.
- Fischer, R., Karl, J. A., & Fischer, M. V. (2019). Norms across cultures: A cross-cultural meta-analysis of norms effects in the theory of planned behavior. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 50(10), pp. 1112–1126. <https://doi.org/10.1177/0022022119846409>.
- Hayat, S. (2020). *An Islamic code of judicial conduct*. Islamabad: Auraq Publications.
- Junaidi, J., Majid, L. A., & Nazri, M. A. (2023). Revisiting social justice: Exploring the Qur’anic paradigm in addressing contemporary challenges. *Afkar: Jurnal Akidah dan Pemikiran Islam*, 25(2), pp. 153–192. <https://doi.org/10.22452/afkar.vol25no2.5>.

- Kaptein, M., & Schwartz, M. S. (2008). The effectiveness of business codes: A critical examination of existing studies and the development of an integrated research model. *Journal of Business Ethics*, 77(2), pp. 111-127. <https://doi.org/10.1007/s10551-006-9305-0>.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. New York: Sage.
- Mainiyo, A. S., & Sule, M. M. (2023). Impact of Qur'anic moral excellence on the lives of Muslim society: An exposition. *Demak Universal Journal of Islam and Sharia*, 1(3), pp. 188-205. <https://doi.org/10.61455/deujis.v1i03.73>.
- Menne, F., Hasiara, L. O., Setiawan, A., Palisuri, P., Tenrigau, A. M., Waspada, W., Juliana, J., & Nurhilalia, N. (2024). Sharia accounting model in the perspective of financial innovation. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 10(1), Article 100176.
- Muhammad, A. Y. (2018). Islamic perspective on medical and paramedical codes of ethics. *International Journal of Research in Social Sciences*, 8(1), pp. 90-104.
- Nijhof, A., Cludts, S., Fisscher, O., & Laan, A. (2003). Measuring the implementation of codes of conduct: An assessment method based on a process approach of the responsible organisation. *Journal of Business Ethics*, 45(1), pp. 65-78.
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), Article 1609406917733847. <https://doi.org/10.1177/1609406917733847>.
- Rahim, M. M. (2019). *Code of conduct on transnational corporations: Challenges and opportunities*. New York: Springer.
- Roy, A. K., Newman, A., Round, H., & Bhattacharya, A. (2024). Ethical culture in organizations: A review and agenda for future research. *Business Ethics Quarterly*, 34(1), pp. 97-138. <https://doi.org/10.1017/beq.2022.44>.
- Saidin, A. Z., & Abu Bakar, E. (2005). The code of ethics for software engineers, public interest and the Islamic perspective. In *Prosiding Seminar Kebangsaan E-Komuniti 2005* (pp. 1-7). Pusat Kajian E-Komuniti, FSSK-UKM.

- Schleper, M. C., Busse, C., & Henke, M. (2013). Towards a standardized supplier code of conduct: Requirements from a literature-based analysis. In *Efficiency and logistics* (pp. 197–207). New York: Springer.
- Scott, W. R. (2013). *Institutions and organizations: Ideas, interests, and identities*. New York: Sage.
- Solekhan, M. (2023). Communication ethics in social relationships using social media wisely in Islamic values. *Journal of Modern Islamic Studies and Civilization*, 1(1), pp. 1–11.
- Wood, G., Whyatt, G., Callaghan, M., & Svensson, G. (2019). Codes of ethics content: UK and Australian corporations. *European Business Review*, 31(5), pp. 669–687.